

چشم انداز

من سپیده راستین رهایی را،
هرگز،
رویت نکرده ام
اما
طلوع آن را،
بسیار مطمئن تر از مناظر رویا رویم،
باور دارم.

من با چشم باز
به روشنی آفتاب
از ورای تلسکوپ تاریخ،
می بینم،
که:
کارگران دنیا،
نستو و استوار،
تا مبعاد گاه نهایی پیروزی،
پیش می تازند.

من طلایگان فرخ این پرخروش سپاه را،
در نور روشن تاریخ،
می بینم.
که:
آخرین قلاع پایداری دشمن را،
تسخیر می کنند.
و آنگاه بی درنگ،
ویرانه های نظم سیاه پیشین را،
می کوبند.
تا بر فراز آن
شالوده نظام جدید
نظام سوسیالیسم را
استوار کنند.

من با گوش باز،
غریب فتح بزرگ را،
می شنوم.
من!
کنگره سراسری شورا های کارگری را،
می بینم.
من!

همزمان
کلام نمایندگان را،
با همه وضوح،
گوش می کنم.

آنان مصوبات کنگره ها را
یعنی که:
طرح زیست تازه انسانها را،

بسیار ساده تقریر می کنند.

من گوش می دهم!
آحاد اجتماع ما همه با هم برابرند.
یعنی که:
تک تک مردم
انسانهای کارگرند.
نظم امور جامعه را،
بود و نبود تمامی تولید را،
خیل عظیم کارگران،
یکسان و بی تفاوت،
تدبیر می کنند.

من گوش می دهم!
این توده عظیم،
تدبیر کرده های متحد خویش را،
بر پایه برابری،
به عمل تبدیل می کند.

ما!
حکم به مرگ قطعی سرمایه می دهیم.
ما کار مزد بگیر را،
محو می کنیم.
ما هر چه هست و نیست را،
بر پایه برابری،
تقسیم می کنیم.

آنان مصوبات کنگره ها را
ابلاغ می کنند.
ما پول را،
مالکیت خصوصی را،
خرید و فروش را،
سرمایه را،
و کار مزدوری را
از ساحت مقدس زیست،
محو می کنیم.

م الف